

## عنوان مقاله:

ابراء مهریه

## محل انتشار:

پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

## نویسندگان:

رضا بیرانوند - عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش

سمیه کاظمی - دانشجوی ارشد حقوق خصوصی موسسه آموزش عالی فاران مهر دانش

## خلاصه مقاله:

مهریه به عنوان یک وثیقه اطمینان بخش و یک نوع بیمه در مقابل حوادث آینده محسوب میشود. مهریه در حقیقت اهرمی است در دست زنان تا در سایه آن بتوانند در موارد بسیاری احترام و استقلال خویش را به مرد نشان داده و او را از تعرض به حقوق خویش بازدارند. حقوقدانان معتقدند گاهی مهریه که معمولا در هنگام انحلال عقد نکاح مطالبه میشود، مانع گسستن پیوند زناشویی می گردد و تضمینی برای دوام ازدواج به شمار می آید. مهریه را قانونگذار برای جلوگیری از طلاق های بی مورد مقرر کرده است. عقد هبه بسیار مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما هنوز در عمل مشکلاتی درباره این قرارداد به وجود می آید که جای بحث و بررسی دارد. با نگاهی فراتر به مواد قانونی مصوب در باب هبه، به مواردی برمی خوریم که از جهتی دیگر، قبول این ایراد را بر ما دشوار می نماید؛ از جمله اینکه شرط تحقق هبه، قبض و اقباض است؛ شرطی که در خصوص دین، چندان با منطق حقوقی سازگاری ندارد. اشارات متعدد قانونگذار نیز به واژه ی عین موهوبه، در مواد قانونی مرتبط، می تواند تصدیق باشد بر این ادعا که موهوبه لزوما می بایست عین باشد و دین. از آنجا که بخشش آن، مقررات ویژه ی خود را دارد (ابراء)، نمی تواند قابل هبه و متعاقبا قابل رجوع و تحت شمول مقررات قانونی مربوط به هبه باشد. قابل توجه تر اینکه به صراحت در ماده ۸۰۶ قانون مدنی می خوانیم: هر گاه داین طلب خود را به مدیون ببخشد، حق رجوع ندارد.

## کلمات کلیدی:

مهریه، ابراء، فسخ نکاح، استرداد.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1751181>

